



بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه الله) - 14 / خرداد / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله فى الارضين.

سلام و درود و صلوات الهی بر فرزند شایسته‌ی نبی مکرم و احیاگر دین نبوی، امام بزرگوار ما ؛ که امروز سالگرد رحلت دردناک آن بزرگوار را بزرگ میداریم و در این روز، به یاد آن بزرگوار این جمع علاقه‌مند و عاشق گرد آمده‌اند.

برادران و خواهران عزیز! بحث امروز من عمدتاً چند نکته است در باب امام بزرگوار و در باب انقلاب ؛ اگر مجالى در پایان صحبت پیدا شد، یک سخن کوتاهی هم در باب مسائل سیاست داخلی کشور و مسائل سیاست خارجی عرض خواهیم کرد.

البته در باب امام و درباره‌ی این مرد بزرگ، در طول این سالها سخنان زیادی را افراد مطلع بیان کرده‌اند ولی اولاً آنچه در باب امام و انقلاب - که اینها به هم گره خورده‌اند و یاد امام و نام امام از نام انقلاب جدا نیست - گفته شده است، همه‌ی مسائل مربوط به امام و انقلاب نیست ؛ ناگفته‌هایی وجود دارد که باید بمرور در ذهنیت جامعه قرار بگیرد. ثانیاً آنچه هم در باب انقلاب و در باب امام گفته‌اند و گفته‌ایم و تکرار کرده‌ایم، باید مرور بشود، باید مجدداً تکرار بشود ؛ چون اگر یک حقیقتی بارها تکرار نشود و با جزئیات و خصوصیات ذکر نشود، گمان تحریف این حقیقت بمرور وجود دارد. اکثر شما میدانید که انگیزه‌هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب - که بزرگ‌ترین هنر امام بزرگوار بود - هست. ما باید تکرار کنیم حقایق را که در باب امام و در باب انقلاب گفته‌ایم، باز هم بگوییم و تکرار کنیم و مجال تحریف را از تحریف‌کنندگان بگیریم. در شرع مقدّس هم همین جور است، در حقایق تاریخی هم همین جور است ؛ بسیاری از معارف دینی را مأمور شده‌ایم که تکرار کنیم ؛ من باب مثال، تلاوت قرآن را به‌طور دائم باید تکرار کنیم که حقایق قرآنی از ذهنها هرگز محو نشود ؛ یا تاریخ را - تاریخ واقعی و درست را - باید تکرار کنیم. اگر ملت ما عاشورا را این جور در طول قرنهای متمادی با اصرار تبیین نمی‌کردند و بیان نمی‌کردند، ممکن بود این حادثه‌ی مهم از یادها برود یا بسیار ضعیف‌تر از آنچه واقع شده است منعکس بشود.

عمده‌ی خطاب من در بحثهای امروز و صحبت امروز، به شما جوانهای عزیز است ؛ علت هم این است [اولاً] که جوانها، دوران حماسه‌های بزرگ را مشاهده نکردند، ندیدند ؛ دوران پیروزی انقلاب را، دوران دفاع مقدّس را، دوران حرکات عظیم و مجاهدتهای بزرگ در مقابل تجزیه‌طلبان را جوانها [فقط] شنیده‌اند و اینها برای جوانهای ما تاریخ است ؛ لذا لازم است برای آنها بیشتر توضیح داده بشود و بیان بشود ؛ این اولاً. ثانیاً ذهن جوانها آماج تحریف تحریف‌کنندگان است ؛ امروز بیشتر روی ذهن جوانهای ما می‌خواهند کار کنند و نگذارند نسل جوان گسترده‌ی این کشور، با بسیاری از حقایق آشنا بشود. لذا خطاب من امروز به جوانها است.

من عرض میکنم جوانهای عزیز! انقلاب اسلامی که به‌وسیله‌ی امام بزرگوار تحقق پیدا کرد و با دست تدبیر او اراده‌ی الهی محقق شد، صرفاً یک جابه‌جایی سیاسی نبود که یک گروهی از رأس قدرت کنار بروند، یک گروه دیگر بیایند سر جای آنها ؛ این نبود، بلکه انقلاب یک تحوّل عمیق بود ؛ هم تحوّل بود در سیاست کشور - در عرصه‌ی سیاست تحوّل



عمیقی بود- هم تحوّل بود در متن جامعه‌ی ایرانی. در عرصه‌ی سیاست این تحوّل به این معنا بود که یک دیکتاتوری بسته‌ی ارثی وابسته‌ی به دشمنان و دنباله‌رو بیگانگان را که در کشور حاکم بود -یک چنین حکومتی را- تبدیل کرد به یک حکومت مردم‌پایه که مژگی به مردم است و مستقل است و سربلند است و دارای هویت است؛ در عرصه‌ی سیاست، این تحوّل عظیم اتفاق افتاد. در عرصه‌ی متن جامعه هم، جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی بی‌هویت شده بود؛ ایران با این سابقه‌ی فرهنگی، با این عظمت، با این همه دانشمند، با این فلسفه، با این معارف عظیم بشری در این کشور، تبدیل شده بود به یک جامعه‌ی دنباله‌رو غرب و بدون هویت. هدف انقلاب تغییر این وضعیت بود که جامعه را تبدیل کند به یک جامعه‌ی با هویت، دارای استقلال، دارای اصالت، دارای خلاقیت، دارای حرف نو؛ این انقلاب اسلامی، یک چنین تحوّل بود که امام بزرگوار به کمک مردم، این انقلاب را به پیروزی رساند.

وقتی امام بزرگوار ما این هدفها را در خلال سخنرانی‌های خود و بیانات خود بیان میکرد، درواقع یک هدفهای حداکثری را مطرح میکرد؛ به نظر افراد بدبین و وسوسه‌گر خیلی بعید می‌آمد که یک چنین هدفهایی را امام بزرگوار بتواند محقق کند؛ حتی [به نظر] سیاسیون. یکی از سیاسیون معروف معتبر مورد احترام ما، به خود من میگفت که آن روزی که امام مسئله‌ی از بین رفتن سلطنت در کشور را مطرح کرد، ما گفتیم چرا امام این حرف را میزند؟ اینکه شدنی نیست، اینکه ممکن نیست! یعنی حتی سیاستمداران پخته‌ی مبارز فداکار هم این جور فکر میکردند. یک هدف حداکثری را امام مطرح کرد. شما این هدف حداکثری را مقایسه کنید با مثلاً هدف نهضت مشروطیت؛ هدف نهضت مشروطیت این بود که به وسیله‌ی مجلس، از اختیارات شاه کاسته شود؛ یا فرض بفرمایید مقایسه کنید با هدف نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ هدف نهضت ملی عبارت بود از اینکه ما نفت را -که در اختیار انگلیسی‌ها بود- بگیریم و در اختیار دولت خودمان قرار بدهیم؛ شما مقایسه کنید بین این هدفهای کوچک و حداکثری، با هدف که آن تحوّل عظیم مورد نظرش بود؛ این نهضتهایی که هدفهای حداکثری داشتند، موفق نشدند، [اما] امام با آن هدف حداکثری با آن عظمت موفق شد. اینها در اوّل کار، یک پیروزی‌های مختصری هم به دست آوردند لکن در ادامه شکست خوردند. امام توانست پیروزی کامل به دست بیاورد و این پیروزی را حفظ کند و ماندگار کند.

این یک سؤال است که چطور امام توانست این حرکت عظیم را به پیروزی برساند و این پیروزی را حفظ کند؛ سرّش به حسب موازین ظاهری این است که البته اراده‌ی الهی بود لکن اسباب ظاهری این پیروزی عبارت بود از اینکه امام توانست جامعه‌ی کشور را، همه‌ی آحاد مردم و بخصوص جوانها را وارد صحنه کند. در هر حرکتی، در هر کشوری که آحاد مردم وارد میدان بشوند و در میدان بایستند و مقاومت کنند، هدف آنها محقق خواهد شد؛ این بربرگرد ندارد؛ خلاف این هم در هیچ برهه‌ای از تاریخ اثبات نشده؛ امام این هنر بزرگ را، این کار عظیم را توانست انجام بدهد که آحاد جامعه و بخصوص جوانها را وارد میدان کند و اینها را در میدان نگه دارد.

از کجا یک چنین توانایی‌ای را امام بزرگوار به دست آورد؟ این، آن نکته‌ای است که من بر روی آن میخواهم تکیه کنم و برای امروز من و شما درس آموز است. امام یک جذابیت‌های شخصی داشت، یک جذابیت‌هایی در شعارهای امام وجود داشت؛ این جذابیتها آن قدر قوی بود که توانست قشرهای مختلف مردم و از جوانها را وارد میدان کند. با اینکه جوان، هم در دوران مبارزات و هم در دهه‌ی اوّل پیروزی انقلاب با جاذبه‌ها، با حرفها، با فکرهای مختلفی مواجه بود، افکار چپ و افکار وابسته‌ی به اردوگاه سرمایه‌داری بود، اینها هم حرفهای رنگینی میزدند، اینها هم حرفهای گوناگونی میزدند، علاوه بر این جذابیت‌های زندگی معمولی هم وجود داشت در مقابل جوانها و جوان میتوانست آنها را انتخاب بکند؛ اما جوان، امام را انتخاب کرد، راه امام را انتخاب کرد، نهضت را، مبارزه را، انقلاب را



انتخاب کرد؛ چرا؟ به خاطر همین جذابیت‌هایی که در امام وجود داشت.

برخی از این جذابیت‌ها، جذابیت‌های مربوط به شخص امام بود. امام دارای یک شخصیت بسیار قوی، بسیار مستحکم، دارای قدرت ایستادگی در مقابل سختی‌ها بود. امام دارای صراحت بود، صراحت در بیان. امام دارای صداقت بود، با صداقت حرف میزد؛ همه‌ی مخاطبان امام، صداقت را در گفته‌ی او احساس میکردند؛ اینها جذابیت‌های شخصی امام بود. ایمان و توکل امام به خدای متعال، در رفتار او و در گفتار او - به‌طور مساوی - نمایان بود؛ هم رفتار او و هم گفتار او نشانه‌ی ایمان او و توکل او به خدای بزرگ بود؛ اینها جذابیت‌های امام بود.

در کنار این جذابیت‌ها، بخشی از جذابیت‌ها مربوط به اصولی بود که امام ارائه میکرد. مثلاً از جمله‌ی چیزهایی که امام به مردم ارائه میکرد، اسلام ناب بود؛ اسلام ناب، اسلام ناب محمدی. اسلام ناب یعنی اسلامی که نه اسیر و پابند تحجر است، نه اسیر و پابند التقاط (۲) است. در دورانی که هم تحجر وجود داشت، هم التقاط وجود داشت، امام، اسلام ناب را مطرح کرد؛ این برای جوان مسلمان، جذاب بود. از جمله‌ی مبانی اعلامی امام و شعارهای امام، استقلال بود؛ از جمله‌ی آنها آزادی بود؛ از جمله‌ی آنها عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی بود؛ اینها مبانی امام بود که مطرح میکرد؛ اینها همه جذاب است.

از جمله‌ی مبانی امام بیرون آمدن از چنبره‌ی سلطه‌ی آمریکا بود؛ این چیزی بود که برای جوان ایرانی جذاب بود. و من به شما عرض بکنم، امروز بیرون آمدن از چنبره‌ی سلطه‌ی آمریکا برای جوانها [حتی] در کشورهایی هم که با آمریکا پیمانهای طولانی وابستگی دارند، جذاب است. یعنی مثلاً در کشوری مثل عربستان سعودی که در خدمت هدفهای آمریکا است، شما اگر سراغ جوانها بروید - این دانسته شده و تجربه شده است - خواهید دید که همه‌ی جوانها از وابستگی به آمریکا متنفرند و علاقه‌مند به جدایی از این سلطه‌ی ظالمانه‌اند؛ این یکی از خصوصیات [مبانی امام] بود.

از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم میگفت و تکرار میکرد که شما میتوانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخشهای مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذابیت‌های شخصیت امام بود که توانست جوانها را جذب کند. و جوانها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید.

بعد از پیروزی انقلاب که خب پیروزی انقلاب یک زلزله‌ی عظیمی در دنیا به وجود آورد؛ در واقع یک تقسیمی در یک بخش عظیمی از دنیا به وجود آمد؛ طرفداران انقلاب و دشمنان انقلاب. دشمنان انقلاب عبارت بودند از قدرتهای بزرگ آن روز یعنی آمریکا و شوروی آن روز یا جریانهای گوناگون قدرت مثل جریان صهیونیست‌ها؛ اینها کمپانی‌هایی که در کشورهای غربی، دولت‌ها را می‌آوردند، دولت‌ها را می‌بهرند و تصمیم‌گیر در مسائل اساسی‌اند؛ اینها شدند دشمنان انقلاب، یک صف عظیمی از دشمنان انقلاب به وجود آمد؛ اینها احساس خطر کردند؛ اما در مقابل، بسیاری از ملت‌ها، ملت‌های مسلمان، حتی برخی ملت‌های غیر مسلمان که از قضایای انقلاب مطلع شدند، شدند علاقه‌مند، طرفدار و بعضاً طرفدار بسیار فعال انقلاب؛ که این را ما در کشورهای مختلف مشاهده کردیم، تا امروز



هم این ادامه دارد. خب، واکنشها طبعاً شروع شد؛ واکنشها از روز اول شروع شد. البته اول، قدرتها دچار سرگیجه شدند، نتوانستند درست تشخیص بدهند چه دارد اتفاق می‌افتد. بعد از اینکه به خود آمدند، خودشان را پیدا کردند، دشمنی‌ها از روز اول شروع شد علیه انقلاب و آنچه در طول این ۳۸ سال دشمنی شده، طراحی شد؛ البته دشمنی‌های دیگری هم هست که هنوز رونمایی نکرده‌اند و در مجموعه‌های خودشان مشغول فکر کردن و مشغول سازماندهی کردن - از روز اول تا امروز - بوده‌اند. و خب به‌طور خلاصه عرض کنم که بحمدالله در این دشمنی‌ها شکست خورده‌اند. ملت ایران بر همه‌ی دشمنی‌های دشمنانش در این مدت پیروز شده است، بعد از این هم ان‌شاءالله همین خواهد بود.

یک نکته‌ای را من اینجا در بین‌الهللین عرض بکنم، و آن مربوط به دهه‌ی ۶۰ است؛ دهه‌ی ۶۰ یعنی دهه‌ی اول پیروزی انقلاب و دهه‌ی حیات بابرکت امام بزرگوار. برادران و خواهران عزیز! دهه‌ی ۶۰، یک دهه‌ی مظلوم است؛ دهه‌ی تعیین‌کننده‌ی در سرنوشت ایران و ایرانی، دهه‌ی فوق‌العاده مهم و حساس و درعین‌حال ناشناخته و اخیراً به‌وسیله‌ی برخی از بلندگوها و صاحبان بلندگوها مورد تهاجم؛ دهه‌ی ۶۰ را مورد تهاجم قرار می‌دهند. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی آزمونهای بزرگ و دهه‌ی پیروزی‌های بزرگ است.

دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی خشن‌ترین تروریسم در کشور است. در طول چند سال، هزاران نفر از آحاد مردم، از مسئولین، از قشرهای مختلف به‌وسیله‌ی تروریست‌ها به شهادت رسیدند؛ از کاسب معمولی تا جوان دانشجو تا فعال سیاسی تا شخصیت‌های بزرگی که در انقلاب تعیین‌کننده بودند. البته من عدد معین نمی‌کنم، [لکن] تا هفده هزار هم گفته‌اند؛ هفده هزار انسان با شرف با شخصیت ارزشمند در این تروریسم دهه‌ی ۶۰ فدا شدند، که در میان اینها شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی حضور دارند؛ یعنی این آدمهایی که امثال اینها در طول زمان، کمتر در یک کشوری به وجود می‌آید و میتوانند تعیین‌کننده‌ی سرنوشت کشورها باشند.

دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی جنگ تحمیلی است. یعنی هشت سال از این دهه‌ی اول انقلاب و دهه‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، صرف یک جنگ تحمیلی بر ملت ایران شد؛ شما ببینید چقدر این دشوار است! دهه‌ی ۶۰ دهه‌ی سخت‌ترین تحریمها است؛ همه‌چیز را تحریم کردند؛ تحریمهای پی‌درپی، علیه کشور، علیه مراکز اقتصادی ما، علیه دولت ما؛ و دهه‌ی افتخارات بزرگ است. دهه‌ی مبارزه‌ی با تجزیه‌طلبی است؛ از اطراف کشور گروه‌هایی را تحریک کردند، پول دادند، سلاح دادند، برای اینکه اینها را به جان نظام جمهوری اسلامی بیندازند و تجزیه‌طلبی کنند. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی یک چنین حوادث بزرگی است که در کشور اتفاق افتاد.

و در دهه‌ی ۶۰، ملت ایران و جوانهای ما آن‌چنان محکم ایستادند که بر همه‌ی اینها پیروز شدند. این خیلی مسئله‌ی مهمی است. من توصیه می‌کنم به کسانی که اهل فکرند، اهل تأملند و راجع به دهه‌ی ۶۰ قضاوت میکنند، جای شهید و جلاذ عوض نشود! در دهه‌ی ۶۰، ملت ایران مظلوم واقع شد؛ تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانهای آنها و قدرتهایی که آنها را به وجود آورده بودند و دائماً در آنها می‌دیدند، به ملت ایران جفا کردند، بدی کردند؛ ملت ایران در موضع دفاع قرار گرفت، اما دفاع کرد و پیروز شد و بحمدالله آن توطئه‌های آنها را خنثی کرد. این [درباره‌ی] دهه‌ی ۶۰. جوانهای ما ایستادند، امام بزرگوار با آن چهره‌ی نورانی، با آن قلب خداباور، با آن عزم راسخ ایستاد و بر همه‌ی این مشکلات فائق آمد.



امام رحلت کردند؛ بعد از رحلت امام عده‌ای امیدوار شدند که شاید بتوانند راه امام را برگردانند، که بحمدالله نتوانستند. بعد از رحلت امام سالهایی گذشت، عده‌ای در خارج از کشور و عوامل آنها در داخل کشور منتظر نشستند که شاید انقلاب غفلت کند، انقلاب پیر بشود، از کار افتاده بشود، تا بتوانند حمله کنند و همان بساط قبل از انقلاب را مجدداً در کشور بر سر کار بیاورند، [ولی] نتوانستند. علت این نتوانستن‌ها چیست؟ علت، همان جاذبه‌های امام بزرگوار، جاذبه‌های مبانی و اصول امام بزرگوار است که در کشور وجود دارد. من این را بعد هم عرض خواهم کرد؛ جسم امام از میان ما رفته است اما روح امام زنده است؛ روح امام زنده است، راه امام زنده است، نفس امام در جامعه‌ی ما زنده است. آن جذابیت‌هایی که در زمان حیات ظاهری، مردم را، جوانها را، دلها را مثل آهن‌ریا به خود جذب میکرد، امروز هم وجود دارد. نام امام گره‌گشا است، علاوه بر اینکه اصول امام یک اصول تمام‌نشدنی و کهنه‌نشدنی است؛ اینها وجود دارد. بنابراین شعار عدالت اجتماعی و اقتصادی، شعار استقلال، شعار آزادی، شعار مردم‌سالاری، شعار جدا شدن از چنبره و جاذبه‌ی قدرت آمریکا و قدرتهای جهانی، امروز هم برای مردم ما و جوانهای ما جذاب است.

ما البته در تحقق بعضی از این شعارها انصافاً عقبیم. ما در مورد عدالت اجتماعی عقبیم، در مورد تحقق برخی از مبانی و اصول اسلامی عقب‌ماندگی داریم؛ این را انکار نمیکنیم، اما همت ما، هدف ما، آرمان ما همین است که امام بزرگوار معین کرد و ما دنبال این آرمانها حرکت میکنیم؛ این برای نسل جوان ما جذاب است؛ نه فقط نسل جوان کشور ما، بلکه برای نسل جوان کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای اسلامی، جذاب است؛ این قدرت بسیج‌کنندگی انقلاب است؛ من این را میخواهم بگویم. من میخواهم بگویم مسئولان کشور، فعالان سیاسی کشور، از این قدرت بسیج‌کنندگی انقلاب غفلت نکنند؛ این نعمت بسیار بزرگی است، این نعمتی است که در اختیار کشور ما و در اختیار ملت ما قرار دارد. انقلاب قدرت بسیج دارد؛ میتواند جوانها را، انسانهای باعزم و بااراده را، انسانهای سالم را، به سوی اهداف والا و بلند هدایت کند و حرکت بدهد و پیش ببرد؛ هیچ پیش‌رانی به عظمت و قدرت انقلاب و شعارهای انقلاب وجود ندارد؛ ما امروز به این احتیاج داریم و تا سالهای متمادی احتیاج خواهیم داشت.

دشمنان ما بیکار نیستند؛ عزیزان من، برادران و خواهران من! دشمنان بیکار نیستند. بله، تا امروز دشمنها نتوانسته‌اند لطمه‌ی اساسی به ما بزنند؛ ما جلو رفتیم، ما پیشرفت کردیم، ما به کوری چشم دشمن توانستیم کارهای بزرگ انجام بدهیم، اما دشمن در کمین است؛ شما ببینید وقاحت دشمن تا کجا است. رئیس‌جمهور آمریکا در یک نظام قبیله‌ای عقب‌مانده‌ی منحنی محض می‌ایستد در کنار رئیس قبیله و رقص شمشیر میکند، آن وقت به چهل میلیون رأی ملت ایران در یک انتخابات آزاد ایراد میگیرد! دشمنانی با این وقاحت و با این حدّ از پرده‌داری و بی‌ملاحظگی که می‌ایستند در کنار قاتلین شب و روز مردم کوچه و بازار یمن، و اسم از حقوق بشر می‌آورند؛ دیگر از این وقاحت بالاتر! قریب دو سال ونیم است که شب و روز دارند یمن را بمباران میکنند؛ نه مراکز نظامی یمن را، [بلکه] کوچه را، بازار را، مسجد را، بیمارستان را، خانه‌های مردم را؛ بی‌گناهان را میکشند، زن و کودک و بچه و بزرگ را به قتل میرسانند؛ آن وقت اینها میروند پهلوئی آنها می‌ایستند، با یکدیگر مغالزه (۳) میکنند و اسم حقوق بشر می‌آورند و جمهوری اسلامی را به خاطر حقوق بشر تحریم میکنند! دیگر وقاحت از این بالاتر؟ در مقابل یک چنین دشمنی ما احتیاج به قدرت بسیج‌کنندگی انقلاب داریم.

انقلاب را بزرگ بدارید، گرامی بدارید، شما که دلسوز کشور و ملت هستید ارزشهای انقلاب را به معنای واقعی کلمه زنده کنید و احیاء کنید؛ کشور به این احتیاج دارد. این جور نباشد که ما به خاطر اهداف کوتاه‌مدت، به خاطر تحولات



گوناگون عرصه‌ی سیاستهای روزمره و زودگذر، از آن ارزشهای والا فراموش کنیم، انقلاب را فراموش کنیم. امروز ما اگر میخواهیم در میدان علم پیش برویم، در میدان سیاست پیش برویم، در میدان اقتصاد پیش برویم، اگر میخواهیم کارهای بزرگ انجام بدهیم، احتیاج داریم به جرئت و اعتمادبه‌نفسی که انقلاب به یک ملت میدهد و به ما داد. آن جرئت و اعتمادبه‌نفس را از بین نبرید، آن را تضعیف نکنید. امروز ملت ایران به آن اعتمادبه‌نفس نیاز دارند؛ امروز هم جوان ما آماده است برای اینکه در راههای بزرگ، در کارهای بزرگ سینه سپر کند، وارد بشود، وارد میدان بشود؛ من عرض میکنم ما در داخل کشور میلیون‌ها جوان داریم که اگر تجربه‌ای مثل تجربه‌ی سالهای ۶۰ برای کشور پیش بیاید، قطعاً اینها با کمال قدرت، با کمال عزت نفس، با کمال دلاوری و عزم وارد میدان میشوند و کشور را حفظ میکنند و نگه میدارند.

می‌شنوم گاهی اوقات بعضی در مقابل شعارهای انقلاب، عنوان و مفهوم عقلانیت را مطرح میکنند؛ کأنه عقلانیت نقطه‌ی مقابل انقلابیگری است؛ نه، این خطا است؛ عقلانیت واقعی هم در انقلابیگری است. نگاه انقلابی است که میتواند حقایق را به ما نشان بدهد. ببینید! کی بود آن وقتی که امام، آمریکا را به‌عنوان شیطان بزرگ معرفی کرد و به‌عنوان یک موجود یا دولت غیرقابل اعتماد معرفی کرد؛ این را سالها پیش امام بزرگوار به ملت ایران - به ماها - یاد داد؛ امروز بعد از گذشت سالها، رؤسای کشورهای اروپایی میگویند آمریکا غیرقابل اعتماد است.

آنچه در آینه جوان ببیند
پیر در خشت خام آن ببیند

این عقلانیت است. عقلانیت این است که این حرف و مطلبی را که امروز رؤسای کشورهای اروپایی دارند میگویند و آمریکا را غیرقابل اعتماد میدانند، امام در سی سال قبل یا سی و چند سال قبل گفت. و ما این را خودمان تجربه کردیم و آزمودیم؛ حقیقتاً آمریکایی‌ها غیرقابل اعتمادند؛ در همه‌ی موضوعات، غیرقابل اعتمادند؛ و من ان شاء الله در فرصتهای دیگری در این زمینه ممکن است صحبت بکنم. این عقلانیت است؛ عقلانیت معنایش این است که انسان اصالتها را بشناسد؛ عقلانیت، تکیه‌ی به مردم است؛ عقلانیت، تکیه‌ی به نیروی داخلی است؛ عقلانیت، تکیه و توکل به خدای بزرگ است. عقلانیت اینها است؛ عقلانیت در این نیست که انسان خود را بعد از رها شدن از چنبره‌ی قدرت آمریکا و استکبار، مجدداً نزدیک به آنها بکند. اینها عقلانیت نیست؛ عقلانیت را امام داشت؛ عقلانیت را انقلاب به ما میگوید.

من خلاصه کنم: بزرگ‌ترین درسی که امام بزرگوار به ما داد، درس روحیه و ذهن و عمل انقلابی است؛ این را باید فراموش نکنیم. امام میراث فرهنگی نیست؛ بعضی به امام به چشم میراث فرهنگی نگاه میکنند. امام زنده است؛ امام، امام ما است؛ امام، پیشوای ما است؛ امام، در مقابل ما است. بله، جسم امام نیست، اما سخن امام و راه امام و فکر امام و نفس امام زنده است؛ با این چشم به امام نگاه کنید و از او بیاموزید.

بعضی عقلانیت را در این میدانند و میگویند که «چالش با قدرتها هزینه دارد» - [البته] اشتباه میکنند - بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد. شما ملاحظه کنید دولت سعودی برای اینکه با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بتواند سازش بکند، مجبور میشود بیش از نیمی از ذخایر موجودی مالی خودش را در خدمت هدفها و طبق میل آمریکا هزینه کند. اینها هزینه نیست؟ سازش هم هزینه دارد. چالش اگر عقلانی باشد، چالش اگر منطبق با منطق باشد، اگر با اعتمادبه‌نفس باشد، هزینه‌اش بمراتب کمتر از هزینه‌ی سازش است. من عرض کردم - ان شاء الله بعدها



[هم] صحبت خواهیم کرد- این جور نیست که قدرتهای توطئه‌گر و قدرتهای متجاوز به یک حدی قانع باشند؛ ما این را در تعاملات این چند سال اخیر مشاهده کرده‌ایم. یک حدی را مشخص میکنند، وقتی شما در آن حد عقب‌نشینی کردید، تازه یک حرف جدید مطرح میکنند، یک ادعای جدید و یک مطالبه‌ی جدید مطرح میکنند، شما را باز با همان فشارها مجبور میکنند این مطالبه‌ی جدید را هم بهشان بدهید؛ و این سلسله همین‌طور ادامه پیدا خواهد کرد؛ این متوقف نمیشود.

انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار بدهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نقس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را بخورند- چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پر از اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دُور زدن و این حرفها هم هستند- اینها معنای انقلابیگری است.

عرض من این شد: برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانهای عزیز در سراسر کشور و مسئولین محترم کشور! همه بدانید که ما امروز به روحیه‌ی انقلابی، به ممشای (۴) انقلابی، به شعار انقلابی، به اصول و مبانی انقلاب امام بزرگوارمان نیازمندیم؛ کشور احتیاج به این دارد. انقلابیگری را با عنوان افراطی‌گری و مانند این حرفها، نفی نکنید؛ انقلابیگری، نیاز امروز کشور است. این همان درسی است که امام بزرگوار به ما داد و از این درس باید استفاده کنیم. این بحث اول و بحث اصلی و عمده‌ی من.

اما در مورد مسائل داخلی هم چند جمله عرض کنم. یک مسئله‌ی بسیار مهم، مسئله‌ی انتخابات ریاست جمهوری بود که در [دو] هفته‌ی قبل انجام گرفت. بنده باید از یکایک آن کسانی که آمدند و بیش از ۴۱ میلیون رأی را در صندوقها ریختند، از صمیم قلب تشکر کنم. حقیقتاً کار بزرگی انجام گرفت؛ برای کشور اعتبار شد؛ برای نظام جمهوری اسلامی اعتبار شد؛ برای نظام جمهوری اسلامی نشانه‌ی اعتماد عمومی مردم شد. [اینکه] اکثریت هفتاد و چند درصدی کشور بیایند به نظام جمهوری اسلامی «آری» بگویند، تأیید کنند، به آن اعتماد کنند، خیلی مهم است. حالا بعضی‌ها متأسفانه بگوییم از روی کج‌فهمی- یا چه بگوییم، نمیدانم- انکار میکنند؛ میگویند «رأی مردم ربطی به نظام اسلامی و تأیید نظام اسلامی ندارد!» چرا آقایان؛ حتی کسانی که ممکن است در دل از نظام اسلامی گله‌مندی هم داشته باشند، اما وقتی می‌آید در چهارچوب نظام رأی میدهد، معنایش این است که این چهارچوب را قبول میکند و به آن اعتماد میکند و آن را کارآمد میداند که در چهارچوب آن دارد حرکت میکند. این قریب ۴۲ میلیون رأی ملت، هفتاد و چند درصد، رأی به نظام اسلامی و اعتماد به نظام اسلامی بود. حادثه‌ی بسیار مهمی بود.

خوشبختانه شورای محترم نگهبان صحت انتخابات را اعلام کردند. البته اعلام کردند و به ما هم گزارش رسیده بود که تخلفاتی انجام گرفته است؛ این تخلفات را باید البته دنبال بکنند. اگرچه این تخلفات به نتایج انتخابات هیچ‌گونه اثری نگذاشته است و نمیگذارد اما بالاخره تخلف، تخلف است و مناسب نظام جمهوری اسلامی نیست. این تخلفات را مسئولین با جدیت دنبال کنند، متخلفین را مشخص کنند تا این‌گونه تخلفات در انتخابات‌های گوناگون ما- که انتخابات‌هایی این ملت در پیش دارد- برافتد و دیگر ما این‌گونه تخلفاتی نداشته باشیم. وقتی که چشممان را ببندیم و از تخلف صرف‌نظر کنیم و اغماض کنیم، تخلف تکرار میشود. باید جلوی تخلف گرفته بشود.



من از مسئولان کشور هم که این انتخابات را اجرا کردند، نظارت کردند، تشکر میکنم.

البته در تبلیغات، در مناظرات، حرفهایی زده شد، گاهی بداخلاقی‌هایی شد، برخی از دستگاه‌های گوناگون کشور مورد اتهام قرار گرفتند؛ اینها کارهای خوبی نبود؛ گذشته، گذشته، گذشته است؛ بایستی اینها ادامه پیدا نکند. همه توجه داشته باشند: به آنچه در انتخابات انجام گرفت، با چشم اغماض نگاه کنند؛ تکرار نکنند؛ یعنی ملت - چه آن گروهی که نامزد آنها رأی آورده است، چه آن گروهی که نامزد آنها رأی نیاورده است - باید از خودشان ظرفیت نشان بدهند، از خودشان حلم نشان بدهند - حلم یعنی ظرفیت، جنبه‌دار بودن - بی‌جنبگی نشان ندهند. بعضی هستند که اگر در یک قضیه‌ای برنده هم بشوند بی‌جنبگی نشان میدهند، بی‌ظرفیتی نشان میدهند، اگر بازنده هم بشوند همین‌جور؛ نه، بایستی چه در صورتی که انسان موفق شد و به آن مقصودی که داشت رسید، چه در صورتی که نرسید، از خود ظرفیت نشان بدهد. خوب، خوشبختانه امسال در این انتخابات ظرفیت نشان دادند، آن کسانی هم که موفق نشدند ظرفیت نشان دادند، بر خلاف سال ۸۸ که آن مشکلات را برای کشور به وجود آوردند.

یک مسئله‌ی دیگری که من اینجا کوتاه عرض میکنم و بعدها ان‌شاءالله با تفصیل بیشتری ممکن است مطرح بکنم، این است که در مسائل داخلی، دولت محترم، به تولید و اشتغال اهمیت ویژه بدهند. بر طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور از امکانات بسیار گسترده‌ای در کشور برخوردار است؛ خیلی از کارها را میتوانند انجام بدهند؛ از این امکاناتی که در اختیار دارند استفاده کنند، ظرفیتهای داخلی را بالفعل کنند، هیچ درنگی در عمل به وعده‌هایی که به مردم داده شده است صورت نگیرد. مسئولین را، مسئولان بخشهای مختلف را - حالا در دولت دوازدهم - جوری انتخاب بکنند که کارکن و فعال و پای کار و توانا باشند؛ یعنی توانایی آنها بتواند کارها را ان‌شاءالله پیش ببرد. اگر خدای نکرده در بخشهای مختلف - چه اقتصادی و چه غیراقتصادی - یک بخشی از خود ناکارآمدی نشان بدهد، این به حساب ناکارآمدی نظام گذاشته خواهد شد و این بی‌انصافی است؛ نظام کارآمد است؛ بخشهای مختلف باید بتوانند خودشان را پایه‌پای نظام پیش ببرند. [مسئولین] برای مقاوم‌سازی کشور در قبال تحریمهای آمریکا، باید کشور را آماده کنند؛ کشور را مقاوم‌سازی کنند. می‌بینید آمریکایی‌ها با کمال وقاحت هر روزی یک حرف جدیدی [میزنند]، یک ساز جدیدی کوک میکنند؛ باید در مقابل آنچه آنها انجام میدهند، کشور مقاوم باشد و توانایی ایستادگی داشته باشد. این مقاومت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و همه‌جانبه را مسئولین در نظر بگیرند.

در مسائل جهانی هم، از کشور باید صدای واحدی شنیده بشود؛ این را همه‌ی مسئولان محترم کشور توجه کنند؛ در مسائل مهم بین‌المللی، یک صدای واحد قوی باید از داخل کشور شنیده بشود؛ صداهای گوناگون از مسئولین شنیده نشود. حالا ممکن است فلان نویسنده یا فلان کسی که در فضای مجازی کار میکند، عقیده‌ی دیگری داشته باشد، اهمیت ندارد؛ مسئولان کشور باید حرف واحدی بزنند، صدای واحدی داشته باشند.

یک جمله هم در مورد مسائل خارجی عرض بکنم. متأسفانه در ماه مبارک رمضان برادران ما در برخی از کشورها بشدت دچار مشکلند؛ در یمن، در سوریه، در بحرین، در لیبی، مسلمانها با دهان روزه دچار این مشکلات عظیم هستند. در یمن دولت سعودی شب و روز یمن را بمباران میکند، مردم را زیر فشار قرار میدهد؛ البته اشتباه هم میکنند. این را من اینجا بگویم، دولت سعودی بداند اگر ده سال دیگر یا بیست سال دیگر هم این روش را در مقابل مردم یمن پیش بگیرد، بر مردم یمن پیروز نخواهد شد. این یک جنایتی است که در حق مردم بی‌پناه و بی‌گناه یک کشوری دارد انجام میگیرد و قطعاً به نتیجه هم نخواهد رسید؛ وزر و وبال خودشان را در دنیا پیش مردم و پیش



خدای متعال و پیش کرام‌الکاتبین سنگین میکنند و انتقام الهی را نسبت به خودشان سخت‌تر خواهند کرد.

در بحرین هم همین‌جور؛ در بحرین هم حضور دولت سعودی یک حضور غیر منطقی است. مسائل بحرین مربوط به مردم بحرین است؛ مردم بحرین بنشینند خودشان با حکومتشان صحبت کنند، به یک نتیجه‌ای برسند. چرا بایستی یک دولت بیگانه، نیروی نظامی به آنجا وارد کند و در کار آنجا دخالت کند و سیاست‌گذاری کند؟ این کارهای غیر منطقی و غیر عقلانی است که کشورها و ملت‌ها را دچار مشکل میکند. اینکه بخواهند اراده‌ی خود را بر یک ملتی تحمیل بکنند منطقاً غلط است، عملاً ناکارآمد است و نتیجتاً موجب روسیاهی است و به جایی نخواهد رسید؛ حتی در صورتی که با این رشوه‌ی چند صد میلیاردی آمریکا را هم با خودشان همراه بکنند، باز هم به نتیجه‌ای نمی‌رسند.

مسائل سوریه هم همین‌جور؛ حضور کشورهای بیگانه در سوریه که برخلاف اراده‌ی دولت سوریه و ملت سوریه است، کار خلافی است. [ما] معتقدیم مسائل سوریه هم باید با گفتگو حل بشود؛ معتقدیم که هم در سوریه، هم در بحرین، هم در یمن، هم در همه‌جای دنیای اسلام، دشمنان جنگ‌های نیابتی به راه می‌اندازند، مردم را با یکدیگر درگیر میکنند. راه حل این است که بنشینند با هم صحبت کنند، گفتگو کنند، مذاکره کنند، دیگران دخالت نکنند، سلاح از بیرون - به این شکل که ملاحظه میکنید - به کشورها تزریق نشود. امروز داعش از محلّ ولادت خود یعنی از عراق و سوریه دارد رانده میشود و به سراغ کشورهای دیگر میرود؛ به سراغ افغانستان و پاکستان و حتی فیلیپین و کشورهای اروپایی و جاهای دیگر. این آتشی است که خود آنها به دست خودشان افروخته‌اند و حالا دامن خودشان را این آتش گرفته است.

ملت ایران به توفیق الهی توانسته است در همه‌ی این قضایا با منطق، با عقلانیت، با عزم و اراده‌ی راسخ، کار خود را ادامه بدهد و پیش برود؛ بعد از این هم همه‌ی تحولات سیاسی کشور به توفیق الهی و به هدایت الهی و به اذن الهی، به سمت آرمانهای این ملت و پیروزی این ملت تمام خواهد شد. و من عرض میکنم به توفیق پروردگار، به تجربه‌ی ۳۸ سال گذشته، فردای این ملت از امروز این ملت بمراتب ان شاء الله بهتر خواهد بود.

پروردگارا! در این عصر ماه رمضان، به این جمع روزه‌دار و به این شکم‌های گرسنه و لب‌های تشنه، رحمت و فضل خود را نازل بفرما. پروردگارا! به حقّ محمد و آل محمد ملت ایران را در همه‌ی میدانهای مهمّ خود پیروز و سربلند بفرما. پروردگارا! امام بزرگوار ما را که روحش و جانش و نفسش در میان ما زنده است، روزه‌روز زنده‌تر قرار بده. پروردگارا! شهدای عزیز این ملت را، جوانان فداکار این ملت را، مشمول لطف و فضل خود قرار بده. پروردگارا! مسئولان کشور را به خدمت به این ملت بزرگ موقّق بگردان، قلب مقدّس ولیّ عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن. پروردگارا! دعای آن بزرگوار را شامل حال ملت ایران و شامل حال این حقیر بفرما؛ چشم ما را به جمال آن بزرگوار روشن کن.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) این مراسم در روز نهم ماه مبارک رمضان برگزار شد.

(۲) آمیزه‌ای از چند روش یا مکتب، بدون سنخیت محتوایی و ارزشی



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

۳) گفتگوی عاشقانه
۴) رفتار، مشی، سیر کردن